شرق روزنامه
instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

یادداشت

در جست‌وجوی فضیلت

سیدجواد جمالی
کارشناس اقتصادی

مرسوم است زمانی که تعدادی افراد گردهم می‌آیند تا کاری را به سرانجام برسانند، از میان خود فردی را به‌عنوان مدیر، رئیس و سرگروه انتخاب کنند که صاحب صلاحیت بیشتری است. فرد مورد انتخاب توسط گروه باید بر اساس برخی مشخصه‌ها و اولویت‌ها نسبت به سایر اعضای گروه برتری و چیرگی داشته باشد. برای نمونه باید از دانش و تجربه کافی برخوردار بوده یا فردی اخلاق‌مدار، مشورت‌پذیر، قابل اعتماد و... باشد. به عبارتی فرد منتخب لازم است واجد فضایلی بوده که سایرین کمتر از آن فضایل بهره‌مند باشند. به‌عنوان نمونه اصولا مدیر یک سازمان یا کابینتِ یک تیم ورزشی، فردی است که رجحان‌های ملموسی نسبت به بقیه اعضا بروز دهد تا از این طریق به‌عنوان مدیر یا کابینتِ تیم پذیرفته شود. در نظام‌های سیاسی نیز لازم است اشخاصی که در مسند امور قرار می‌گیرند، تفوق و تمایز ویژه‌ای را در برابر دیگران به نمایش بگذارند. در کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی در غرب» اثر کمال پولادی می‌خوانیم: در عصر یونان هومری (یونان پیش از میلاد مسیح) حکمرانان خود را از تبار خدایان به حساب می‌آوردند. همچنین در تمدن‌های مصر، بابل و آشور نیز نگرش اشرافی، دیدگاه غالب برای حاکمان بود. در این نگرش، داشتن دودمان و تباری پادشاهی و اشرافی، معیار اصلی فضیلت شناخته می‌شد. غالبا پادشاهان خود را از تبار خدایان معرفی می‌کردند. لذا در طول تاریخ از آنها تحت عنوان حکمای الهی یاد می‌شود. در سطحی بالاتر از اندیشه سیاسی می‌توان از افلاطون و سقراط نام برد. افلاطون در کتاب جمهور خود اشاره می‌کند که افرادی باید امور جامعه را عهده‌دار شوند که از توانایی ذهنی بالایی نسبت به سایرین برخوردار باشند. از دیدگاه افلاطون برتری عقل عامل اصلی و تعیین‌کننده فضیلت شناخته می‌شود. همچنین اوسطو معتقد است آدمیان در یک سلسله‌مراتب طبیعی قرار دارند که کیفیت و مرتبه عقلی هرکس تعیین‌کننده اصلی جایگاه او در جامعه است. طبیعی است که برخی افراد به علت توانایی عقلی بالاتری که دارند، به‌عنوان ارباب تعیین شوند و افراد با مرتبه عقلی پایین‌تر در جایگاه برده قرار گیرند. ارسطو بیان می‌دارد به مصلحت بردگان است که از مزایای عقل ارباب بهره‌مند شوند و به مصلحت اربابان است که فقط به تفکر و اندیشه مشغول بوده و امور کشور را اداره کنند و از کار جسمانی بردگان برخوردار شوند. لذا در جامعه به‌طور طبیعی برخی بر برخی برتری دارند. در این جوامع، پادشاهان و اربابان به‌عنوان حکمای طبیعی قلمداد می‌شوند. ارسطو لغو نظام ارباب-رعیتی و نظام برده‌داری را غیر این‌عدالتی و ناپرابری می‌داند. حال بر قطار تاریخ سوار شده و در اینستگاه عصر رنسانس متوقف می‌شویم. پیش از عصر رنسانس وجود نظام سیاسی و دولت با مرتبط و متصل با اراده الهی بود (مانند عصر یاب، کلیسا و پادشاهان مبتنی بر تبار خدایان) یا بر مبنای قانون طبیعی (مانند دوران ارسطو و افلاطون) تبیین می‌شد. فلسفه سیاسی در این دوران، شرایط زندگی من در آن زمان من را به مراقبت بیشتر وا می‌داشت، همسرم مبتلا به سرطان بود. به همین علت خیلی مراقبت می‌کردم که بیماری را با خود به بستری که بیمار سرطانی در آن وجود دارد، نیاورم. دکتر برای همسرم واکسن سینوفارم را توصیه کرده بود. در همین دوره نیز از طرف یکی از دوستانم که واکس آسترازنکا تزریق کرده بود، به من پیشنهاد شد برای محافظت و محکم‌کاری بیشتر واکسن آسترازنکا بزنم چراکه می‌گفتند واکس انگلیسی است و تاثیر بهتری دارد.

او می‌گوید بیماری همسرش سپری شده بود که نگرانی‌اش بیشتر شود: «در نتیجه من هم برای مقاومت بیشتر تصمیم به تزریق این واکسن گرفتم. از نی‌نو ترس یه بنده جامعه غالب شده بود. روزی ۷۰۰ نفر می‌مردند. من هم با هر مکافاتی که بود رفتم و من هم با دو دوز، از مرکز طاقتفرسا زدم. دو اول خوب بود اما در دوم نه... درد دفعه دوم و با دو اول فرق داشت. نمی‌دانم تزریق‌کننده خوب نبود یا بدن من با واکس مشکلی داشت یا شاید هم واکس مانده بود. اما، الان حدودا هفت، هشت ماهی هست که شانه چپ من بالا نمی‌آید. البته دیات هیت هم دارم اما نمی‌دانم این مشکل در شانه من از عوارض واکس است یا دیابت. به پزشک هم مراجعه کردم که گفت چون عوارضی از لحاظ عضلی ثابت نشده است... در زمان تزریق واکس هم اینایت من کنترل نشده بود و احتمالا این واکس باید درد نمی‌کرد. اما، درد دیگری کردند؟ نبودم چراکه اولویت ذهنی من همسرم بود. بنابراین فقط دنبال واکسی بودم که مقاومت بیشتری داشت».

گزارش «شرق» از آخرین وضعیت واکسن آسترازنکا و تهدیداتش در ایران

آسترازنکا کشنده بود؟

آسترازنکا خط مقدم دفاع دوران کرونا بود

ثنا یوسفی: شبیه دوران جنگ بود؛ همان روزهای پاندمی که همه به دنبال راهی برای دفاع از زندگی خود و اطرافیانشان بودند. هر روز تعداد کشته‌های این بیماری بیشتر می‌شد و کووید با چنبره بر تمامی وجوه زندگی انسان‌ها چیزی شبیه به فلجی ساخته بود. خیلی زود حرف واکسن به میان آمد و در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از واکسن‌های فایزر و مدونا به مبارزه با این ویروس برخاسته بودند ایران هنوز امکان استفاده از این واکس‌ها را نداشت. تا اینکه بعد از مدتی واکس‌های اسپوتنیک، آسترازنکا و سینوفارم مجوز ورود به کشور را کسب کردند. آن هم در شرایطی که برخی از نهادهای داخلی مدعی بودند که واکس‌های تولید کشور هم می‌تواند بهترین عملکرد را داشته باشد. در این بین آسترازنکا واکسنی بود که به کواه تحقیقات علمی در برابر سویه آمیکرون عملکرد بهتری داشت و به همین علت هم اصرار بر تزریق این واکسن به نسبت دیگر واکس‌ها از سوی مردم بیشتر بود. اکنون بعد از گذشت دوران پاندمی و روزهای سخت کرونا، اخباری از مرگ‌های منتسب به واکسن آسترازنکا به گوش می‌رسد که به دنبال آن، شرکت آسترازنکا از توقف تولید واکس‌های خود خبر داده است. اما آیا آسترازنکا واقعا کشنده است؟

به دنبال واکسنی بودم که مقاومت بیشتری داشت

بررسی این پرسش البته به پژوهش‌های متعدد علمی نیاز دارد و حتی احتمال می‌رود که نتایج این مقالات هم به مرور زمان و براساس خاصیت خودصلاحکر علم تغییر یابد. با وجود این «شرق» در گفت‌وگو با برخی از متخصصان تلاش داشته تا پاسخی در این مقطع زمانی برای مردم ایجاد کند. به ویژه در شرایطی که وقوع چنین اتفاقاتی می‌تواند موجب ناامیدی مردم از عرصه علم و دانش پزشکی شود. یکی از افرادی که در دوران کرونا واکسن آسترازنکا را تزریق کرده است، درباره علت انتخاب این واکسن به «شرق» می‌گوید: «من با توجه به شغل و شخصیتی که دارم برای همه چیز تحقیق می‌کنم اما در دوره کرونا و همه‌گیری همه چیز فرق داشت. قدرت انتخاب و تحقیق زیادی دلاق نبود. از طرفی جوی بر جامعه حاکم شده بود که مردم را به کوه‌های مجاب می‌کرد که هر واکسنی بود بزنند. البته رسانه‌ها نیز در این زمینه مؤثر بودند چراکه تخصصی به مردم نمی‌دادند. شرایط زندگی من در آن زمان من را به مراقبت بیشتر وا می‌داشت، همسرم مبتلا به سرطان بود. به همین علت خیلی مراقبت می‌کردم که بیماری را با خود به بستری که بیمار سرطانی در آن وجود دارد، نیاورم. دکتر برای همسرم واکسن سینوفارم را توصیه کرده بود. در همین دوره نیز از طرف یکی از دوستانم که واکس آسترازنکا تزریق کرده بود، به من پیشنهاد شد برای محافظت و محکم‌کاری بیشتر واکسن آسترازنکا بزنم چراکه می‌گفتند واکس انگلیسی است و تاثیر بهتری دارد».

او می‌گوید بیماری همسرش سپری شده بود که نگرانی‌اش بیشتر شود: «در نتیجه من هم برای مقاومت بیشتر تصمیم به تزریق این واکسن گرفتم. از نی‌نو ترس یه بنده جامعه غالب شده بود. روزی ۷۰۰ نفر می‌مردند. من هم با هر مکافاتی که بود رفتم و من هم با دو دوز، از مرکز طاقتفرسا زدم. دو اول خوب بود اما در دوم نه... درد دفعه دوم و با دو اول فرق داشت. نمی‌دانم تزریق‌کننده خوب نبود یا بدن من با واکس مشکلی داشت یا شاید هم واکس مانده بود. الان، حدودا هفت، هشت ماهی هست که شانه چپ من بالا نمی‌آید. البته دیات هیت هم دارم اما نمی‌دانم این مشکل در شانه من از عوارض واکس است یا دیابت. به پزشک هم مراجعه کردم که گفت چون عوارضی از لحاظ عضلی ثابت نشده است... در زمان تزریق واکس هم اینایت من کنترل نشده بود و احتمالا این واکس باید درد نمی‌کرد. اما، درد دیگری کردند؟ نبودم چراکه اولویت ذهنی من همسرم بود. بنابراین فقط دنبال واکسنی بودم که مقاومت بیشتری داشت».

هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند واکسن عامل مرگ شد

اخبار مرتبط با توقف تولید واکسن کرونا سبب شد که کارهای جدی حول محور این ماجرا شکل بگیرد. آن هم این بود که واکسن آسترازنکا عامل مرگ بوده است. اما به نظر می‌رسد این عبارت هیچ تقارنی با واقعیت ندارد. یکی از پرسترهای بیمارستان درباره تجربه زیسته خود در زمان پاندمی در گفت‌وگو با «شرق»، از تزریق واکسن می‌گوید: «واکسن روسی اسپوتنیک اولین واکسنی بود که وارد شد و بر اساس دستورالعمل ستاد ملی کرونا فقط بخش‌های ویژه که شامل اورژانس، آی‌سی‌یو و سی‌سی‌یو می‌شدند، قرار بود از این واکسن استفاده شود. و فازهای تزریق این واکسن شامل کادر درمان عادی و مرم عادی نمی‌شد. در دوره‌های بعدی واکسن آسترازنکا و سینوفارم، وارد و تزریق شد».

او تاکید کرد که در واقع هیچ‌کس نمی‌تواند مستقیم بگوید واکسن آسترازنکا سبب مرگ کسی شده است. «شخصی که واکسن می‌زند و هفته بعد از دنیا می‌رود هم از این قضیه مستثنا نیست. چراکه ممکن است شخص با عواملی چون استرس، بیماری‌های زمینگی یا عوامل ارثی و... در ارتباط بوده و این عوامل در مرگ او تاثیر گذاشته‌اند. به همین دلیل نمی‌توان به طور قطع و براساس نظر شخصی ادعا کرد مرگی به علت تزریق واکسن صورت گرفته است. زمانی می‌توان به این نتیجه رسید که پژوهش گذشته‌نگر با جمعیت مناسب، گروه‌های مناسب و با نظر شخصی بکنوام صورت گرفته باشد. در واقع باید بررسی شود که چه عاملی سبب مرگ افراد شده است».

او همچنین درباره عوارض واکسن آسترازنکا می‌گوید: «میان همکاران، نزدیکان یا بیماران خود موردی مشاهده نکرده‌ام که بتوانم با نظر شخصی بکوبم علت مرگ تزریق واکسن بوده است. از نظر من این دیدگاه عوام است. مثلا موردی اخیرا دیده‌ام که بعد از مصرف دز سوم عام یک کوه سال بیش زده بود. حافظه‌اش خوب کار نمی‌کند. نظر عام یک کادر درمانی می‌تواند روی نظر افرادی که تخصصی در پزشکی ندارند نیز تاثیر بگذارد. جریان‌های خبری نیز در این زمینه تاثیر می‌گذارد».

این پرستار به موضوع اولویت زمان بحران نیز اشاره می‌کند: «در تمام این بحث‌ها و نظرات درباره این واکسن باید در نظر داشت که در زمان بحران زمان آیا کار دیگری شدنی بود؟ آیا راه دیگری جز این‌کردن افراد وجود داشت؟ با عبر کشورهای موفق جز ایجاد ایمنی کار دیگری کردند؟ همچنین برای بررسی عوارض آسترازنکا باید به مقاله‌ها مادر برگشت که در آن زمان منتشر شد. در مقاله‌ها درباره عوارض و درصد ایمنی کفته شده بود. متاسفانه تبعه‌گیری‌ها و بحث‌های بسیار گسترده بدون توجه به این مسائل و تحقیقات استاندارد انجام می‌شود. بر این اساس شروع دوران انقلاب صنعتی و انباشت مقادیر فراوانی کارهای کلخانه‌ای از جمله دی‌کلسدکربن در اتمسفر و کدر از ظرفیت جذب طبیعی آنها که زمین دچار گرمایشی مصناعف شده است که تغییرات اقلیمی را به همراه داشته است. همچنین که اتراش را به فراوانی در سال‌های اخیر در اقصانقاط جهان و ایران شاهد بوده‌ایم. از سیل ویرانگر شیراز تا سیستان و بلوچستان و مشهد تا آنس‌سوزی جنگل‌ها، کاهش منابع آبی و فرسایش خاک، افزایش مصرف انرژی به سبب جبران اترات گرمایش زمین بر اقتصاد و بسیاری دعاهای زیست‌محیطی نشان از تغییراتی دارند که به فقط نسل کنونی که نسل‌های آتی را هم می‌تواند دچار مشکلات عدیده کند. مشکلاتی که با عدم مدیریت آگاهانه می‌تواند به بحران‌هایی غیر قابل جبران مبدل شوند و اثراتش به دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی سرایت کنند. در سال‌های پیش‌رو فعالیت دولت‌ها و بخش خصوصی، امنیت کشورها و در مجموع زندگی نوع بشر را چالش‌های متعدد و بعضا غیر قابل جبران روبه‌رو خواهد شد. کشور ایران هم همچون دیگر بخش‌های جهان از تاثیرات مخرب این تغییرات در امان نخواهد بود و این مهم می‌بایستی مورد توجه ویژه جامعه ایران (شامل اندیشمندان، فعالان مدنی، گروه‌ها و احزاب سیاسی، اصناف، دولت‌مردان و دولتزان، تصمیم سازان و...) قرار گیرد. سال‌های پیش‌رو سال‌هایی سخت همراه با چالش‌های گوناگون زیست‌محیطی خواهد بود که دامان فعالیت‌های اقتصادی را خواهد گرفت و بحران‌های اجتماعی را دامن خواهد زد. آمادگی دولت‌ها در مواجهه با این چالش‌ها نکته‌ای اساسی است و با ادامه حیات تمدنی ایرانیان در ارتباط خواهد بود. اما چه دولت‌هایی می‌توانند تضمین‌کننده ارتباط زیست‌محیطی ایران باشند؟ آیا نشانه‌ای از این دولت‌ها در دولت‌های پیشین یا آتیه این دولت‌ها در رقابت‌های انتخاباتی شاهدش هستیم دید می‌شود؟ شاخص‌های جهانی محیط زیست چه می‌گویند و آیا ارتباطی با میزان اقبال عمومی، شایسته‌سالاری و ارتباط بین‌المللی سازنده میشی بر حفظ استقلال و تعادل دید می‌شود؟ در این نوشته به اختصار به برخی از این مسائل درباره جمع‌آوری این واکسن هم باید بررسی کرد که شرکت آسترازنکا بر اساس چه شواهدی واکسن را جمع کرد؟ چه مطالعاتی انجام داد؟ آیا همه واکس‌ها مشکل داشت؟ کدام دوز را واکس‌ها را جمع‌آوری کرد؟ برای نتیجه‌گیری و اظهار نظر در این باره باید به مقالات مادر مراجعه و بررسی کرد. البته در مواردی رسانه ها برای منافع خود از اخبار به‌صورت تقطیع‌شده استفاده می‌کند که در این نتیجه‌گیری‌های بی‌پایه و اساس تاثیر می‌گذارد».

درد وران کرونا خط مقدم دفاع: آسترازنکا بود

حسن رودگری، متخصص زنتیک پزشکی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و مدیر پژوهشی اسبق سازمان نظام پزشکی در زمان همه‌گیری کرونا، معتقد است واکس آسترازنکا و عوارض آن از اینها هم بر کسی پوشیده نبود: «عارضه لخته خون همراه با کاهش پلاکت که ربطی به علل رایج اختلالات انعقادی ندارد و احتمال می‌رود بیشتر ناشی از آنتی‌بادی علیه یکی از فاکتورهای پلاکتی (PF4) است. میزان بروز این اتفاق هم در افراد زیر ۶۰ سال دو در ۱۰۰ هزار و بالای ۶۰ سال دو تا سه در ۱۰۰ هزار مورد واکسیناسیون بوده است. این لخته نیز به کوه‌های نبود که حتما باعث مرگ شود و تنها در ۲۰ درصد موارد ابتلا خطر جانی می‌داشت که می‌شود خود یک در میلیون. همچنین تنها نظارتی بر شیکایتی انگلستان (MHRA) و تنها پزشکی اروپا (EMA) روی این موضوع حساس بودند و همان موقع این عوارض را اعلام کردند و در واقع تزریق کوه‌ها نبود که پنهان باشد. البته بعضی کشورها نیز استفاده از این واکس را به دنبال نبود عوارضه، متوقف کردند یا فقط برای سن‌های خاصی می‌زدند».

او در ادامه تاکید کرد: «بررسی‌ها در ایران باندمی نشان می‌داد که کماکان واکسن‌ها هیچ تولید دست بشر بنود عوارض نبود که کوه‌های که آسترازنکا در برخی کشورها در حظ مقدم دفاع قرار داشت. زمانی که کووید بزرگ‌ترین مشکل را در همه‌گیری کشورهایی که معتقد بودند فواید آن بیشتر از مضرات است مضرات دارد ایجاد شد. لذا از واکس آسترازنکا سه میلیارد در جهان و در ۱۸۳ کشور توزیع شد که نقش بزرگی در پیشگیری از ابتلا کامل آسیا بزرگی و مرگ داشت. همچنین طبق آمار حدود شش‌ونیم میلیون نفر را از مرگ قطعی نجات داد. این به غیر از کسانی است که آسترازنکا سبب شد یا به بیماری مبتلا نشوند یا اگر بیمار شدند کارشان به جای باریک و اگسی‌یو کشیده نشود. تا، اتن آمار مرگ که در جهان به آسترازنکا منتسب گردیده‌اند حدود ۵۰ هزار است که البته این آمار اثبات نشده و تنها ادعا شده. باید به این نکته توجه داشت که ممکن است مرگی که بر اثر واکسن گزارش شده از عوامل دیگری چون سن بالا یا بیماری‌های زمینه‌ای و مرگ‌های طبیعی دیگر بوده باشد و تنها همزمانی اتفاقی در بسیاری از موارد رخ داده است. از این ۵۰ هزار ادعا، حدود ۱۱ هزار مورد را برای بررسی ثبت کردند اما همچنان علت قطعی مرگ بر اساس واکسن برای آنها اثبات نشده است مگر در برخی کشورهای توسعه‌یافته که مطالعات دقیق صورت گرفته است. در انگلستان روی کارت زرد بهداشتی افراد (Yellow caed) اطلاعات هویتی و اتفاقات و علائم بالینی پیش و حین و بعد از واکسن ثبت می‌کردند که به کمک آن می‌توان به آمار دقیق‌تری دست پیدا کرد. مثلا در انگلستان ۱۶۴ مرگ را به آسترازنکا منتسب کردند که نهایتا ۹ مورد به تایید رسید که در اثر لخته خون بوده است. در ایران و سازمان نظام پزشکی هم سعی کردیم این کار را انجام دهیم اما با تغییر مدیریت و نگرش این مهم ادامه نیافت هرچند نتایج اولیه طی مقاله‌ای که این‌جانب و همکاران سازمان و دانشگاه در یک مجله معتبر علمی چاپ شده، انتشار یافت که متاسفانه فرصت بررسی عوارض دیرس‌تر واکسن‌ها دست نداد. بنابراین آمار دقیقی از ایران نداریم که به‌واسطه آن بتوانیم میزان عوارض یا بود و نبود مرگ ناشی از این واکسن را مشخص کنیم.

مدیر پژوهشی اسبق سازمان نظام پزشکی می‌گوید: «جان‌هایی که با واکسن نجات پیدا کردند بسیار بیش‌تر از قربانی انهاست: «باید گفت: انگلستان که طوح تولیدکننده و توقع‌کننده آسترازنکا بوده و یکی از اصلی‌ترین واکسن‌هایی که در این کشور استفاده شده نیز واکسن آسترازنکا بوده است. این لخته نیز به کوه‌های نبود که حتما باعث مرگ شود و تنها در ۲۰ درصد موارد ابتلا خطر جانی می‌داشت که می‌شود خود یک در میلیون. همچنین تنها نظارتی بر شیکایتی انگلستان (MHRA) و تنها پزشکی اروپا (EMA) روی این موضوع حساس بودند و همان موقع این عوارض را اعلام کردند و در واقع تزریق کوه‌ها نبود که پنهان باشد. البته بعضی کشورها نیز استفاده از این واکس را به دنبال بروز عارضه، متوقف کردند یا فقط برای سن‌های خاصی می‌زدند».

این متخصص معتقد است نیاز به واکس همیشه باقی خواهد ماند: «تاریخ طب و آمارها نشان می‌دهد که واکس‌ها مؤثرترین و بی‌خطرترین تولید بشر بوده‌اند. اما چرا در برابر واکس برخی مقاومت‌ها وجود دارد؟ در این زمینه باید تفکرات تحجرآمیز را مسئول دانست که بر پایه هیچ پژوهش و آمار علمی نیستند و عمدتا افراد فاقد دانش و تخصص به آن دامن می‌زنند یا اکثر سودجویان در پس پرده آن هستند. البته نه‌تنها در ایران، بلکه در خارج از کشور نیز این افراد یافت می‌شوند. نیاز به واکسن همیشه باقی خواهد بود و جالب است بدانید که مثلا آنفلوانزا در آمریکا جان حدود ۲۰ هزار نفر را سالانه می‌گیرد و حتی در ایران هم خطر مرگ متابه اثر آنفلوانزا وجود دارد که اگر واکسن آن مصرف شود، خطر مرگ و عوارض آن کاهش می‌یابد. کووید هم به جمع ویروس‌های موجود و فصلی پیوست و همیشه خطر ابتلا دارد و به‌ویژه برای گروه آسیب‌پذیر واکسیناسیون آن لازم است. البته در کل هرگونه درمان یا پیشگیری یک تصمیم شخصی است و نمی‌توان دیگران را مجبور کرد مگر زمانی که رعایت‌نکردن، جان دیگران را به خطر بیندازد. علاوه بر این واکس‌ها برنامه واکسیناسیون کودکان که همیشه برقرار است».

او به طور خلاصه درباره آمار کلی آسترازنکا نیز توضیح می‌دهد: «کل واکس آسترازنکا در داده‌گاه با ۵۱ مورد شکایت حقوقی روبه‌رو بوده که دو سال دول کشید تا قاضی حکم صادر کند. آماری که این شرکت بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ منتشر کرد، نشان می‌دهد که سه‌هزارو ۳۸۵ لخته به شرکت گزارش شده و ۲۴۷ مرگ به آسترازنکا منتسب شد اما اکنوا اثبات نشد که مرگ به طور مستقیم ناشی از واکس بوده است. برای واکسنی که میلیاردها دوز از آن توزیع شده و صدها میلیون نفر از آن استفاده کرده‌اند، این آمار و ارقام کوچکی است. در حقیقت پاندمی جنگی بود که بشر در راه دفاع از خود، تلفاتی هم داده است».

دکتر روودکی در پایان با نقد به شبه‌علم عنوان کرد: «برخی سخنان غلط‌اندار در حقیقت شبه‌علم هستند چیزی حرف‌شان با اساسا به لحاظ علمی نادرست بوده یا متسب به آمار غلط است. اما چون با شیوه علمی این را بیان می‌کنند، ظاهر غلط‌انداز علمی دارد یعنی در واقع حرف‌های آنها شکل و شیوه علمی دارند اما پایه و اساس علمی ندارند. بعد از شبه‌علم‌ها که تشخیص آنها حتی برای همکاران و پزشکان هم کاهی سخت است. خرافات قرار دارد که نمی‌توانند اهل علم را گول بزند اما عوام را فریب داده و بیچاره می‌کند».

همچنین گزارش عملکرد این حوزه در سه ایستگاه نوبنیاد، حسین‌آباد و هیرمند نادرست بوده یا متسب به آمار غلط است. اما چون با شیوه علمی این را بیان می‌کنند، ظاهر غلط‌انداز علمی دارد یعنی در واقع حرف‌های آنها شکل و شیوه علمی دارند اما پایه و اساس علمی ندارند. بعد از شبه‌علم‌ها که تشخیص آنها حتی برای همکاران و پزشکان هم کاهی سخت است. خرافات قرار دارد که نمی‌توانند اهل علم را گول بزند اما عوام را فریب داده و بیچاره می‌کند».

ایمن متخصص زنتیک پزشکی واکس‌ها را کم‌خطرترین تولید طبی بشر می‌داند: «از بین محصولاتی که بشر در طب تولید کرده، تا این لحظه، واکس‌ها کم‌خطرترین محصول بودند و ازجمله واکس کووید. ما هیچ محصول تولید بشر بدون عارضه نداریم. حتی در طب سنتی و گیاهی هم بدون مضرات نیست. در پاندمی‌ها که نوعی جنگ جهانی محسوب می‌شوند. اکثر واکس‌ها به اجبار مجوزهای اضطراری از نهادهای نظارتی می‌گرفتند. چون وضع اورژانسی بود و فرصت صبر برای پایان کامل کارآزمایی‌های بالینی نبود. پس از فرازونشیب‌های حقوقی، شرکت آسترازنکا تصمیم به جمع‌آوری واکس‌ها کرد اما همزمان در بیانیه‌اش می‌گوید به عملکرد واکس خود افتخار می‌کند. چون توانست جان‌های بسیاری را نجات دهد و از درد مردم کم کند. دلیل جمع‌آوری واکسن را پیدایش سویه‌های جدید کووید و کم‌اثر شدن انواع قدیمی واکس گفته و اینکه به لحاظ تجاری به‌صرفه نیست که انواع جدید بسازد. هرچند فایزر و مدرنا ادامه می‌دهند بنابراین شرکت آسترازنکا به جای گسترش و هزینه برای مطالعه روی واکس تصمیم به جمع‌آوری وزن قدیمی آن کرد».

او ادامه داد: «منصفانه باید گفت که این واکس در کنار واکس‌های دیگر بسیار پرکاربرد بوده و به بشریت کمک کرده است. در کل ۱۵ شکایت حقوقی از آن صورت گرفته است که شرکت با پذیرش احتمال لخته خون غرامت‌شان را خواهد پرداخت؛ یعنی ۱۵ نفر از کسانی که مرگ‌های منتسب به آسترازنکا داشتند. به داده‌گاه عالی شکایت کرده تا غرامت بگیرند. در داده‌گاه با مستندات علمی ثابت شد که واکس می‌تواند عارضه لخته خون بدهد و لخته هم در مواردی می‌تواند منجر به مرگ شود. البته این موضوع از قبل مطرح و مشخص بود اما الان شکل حقوقی یافته و دورمی‌زنی که اثبات مرگ‌ومیر در نتیجه لخته خون اتفاق افتاده. شرکت آسترازنکا موظف به پرداخت غرامت به افراد است».

او می‌گوید همین الان برای بهترین واکسن کرونا که فایزر بود هم ۲۳ پرونده تشکیل شده است: «در مجموع منصفانه باید گفت واکس آسترازنکا بسیار مؤثر بوده، هرچند طبق آمار دارایی‌ین بهترین واکس‌ها بین کمترین عارضه فایزر و مدرنا بودند که به دلیل اشتباهات حاکم بر تصمیم‌گیری‌های کلان و احتمالا منافع‌های غیرعلمی و ناقص، در ایران در دسترس قرار نگرفتند یا هر دلیل دیگری که به نمی‌دانیم ولی حتما متمول، وقت پاسخی دارند. البته این واکس‌ها نیز عوارض دارند و تاکنون ۶۳ پرونده برای فایزر شکل گرفته است. در نتیجه هم محصول ساخت دست بشر بدون عوارض نیست. اما زمانی که این ارقام را با میلیاردها جمعیت جهان مقایسه کنیم و شرایط اضطراری شبیه جنگ را در نظر بگیریم، آن وقت چندان به چشم نمی‌آیند. هرچند همه جان‌ها عزیزند ولی جنگ همیشه تلفات دارد. پاندمی یک جنگ بود و آسترازنکا و دیگر واکس‌ها جان میلیون‌ها نفر را از مرگ قطعی نجات دادند».

دکتر روودکی از نبود آمار دقیق عوارض واکسن در کشور هم انتقاد می‌کند: «متاسفانه ما آمار دقیقی از عوارض واکسن‌هایی که در کشور تولید شده، نداریم. درحال‌حاضر کووید شرایط ثابتی دارد اما کسانی هستند که به علت بیماری به واکسن نیاز دارند یا می‌خواهند واکسیناسیون خود را به‌روزرسانی کنند. این افراد در خارج از کشور باید فایزر یا مدرنا تزریق کنند که ما از این واکس‌ها در داخل نداریم. از طرفی درباره عوارض واکس‌های داخلی نیز آمار مشخصی از نظر علمی و در مطالعات بزرگ و انبوه نداریم. البته باید گفت واکس‌های ایرانی هم قطعا مؤثر بودند اما آیا اثر و عوارض‌شان با دقتی مثل آسترازنکا بررسی شده یا شکایتی از آنها در داده‌گاه صورت گرفته که بررسی علمی شده؟ حداقل من نمی‌دانم و در رسانه‌ها هم ندیدم. در نبرد مرگ‌های منتسب به واکس‌ها، باید توجه داشت اکثر قریب به اتفاق آنها مرتبط تشخیص داده نشد و در برخی موارد ناسایغ نیز به طور مستقیم ناشی از خود واکس نیست و بیمار ممکن است درگیر بیماری‌های زمینه‌ای باشد و بعد از تزریق واکسن عارضه ساده آن مثل تب و... را تحمل نکرده باشد؛ بنابراین اکثر این اتفاقات با اشتباه است یا مستقیما ناشی از خود واکس نبوده است».

او با اشاره به عارضه لخته خون در آسترازنکا اضافه می‌گفت: «این را هم بدانیم که عارضه لخته خون در واکسن آسترازنکا اگر پیش آید، معمولا بین چهار روز تا سه هفته پس از تزریق و آن هم در دوز اول است. اگر در دوز اول اتفاقی نیفتاده، دیگر این اگر بعد از ماه‌ها و یا سال دیگر جای بحث ندارد. تزریق جدید هم که نداریم چون این واکس جمع شده و دیگر موجود نیست. درباره عوارض جدی یا دیررس واکس ایرانی آمار مناقبی نداریم. اما می‌توان گفت که ایران در ساخت واکس‌های قدیمی و نسبتا قوی دارد. و از طرفی نمی‌توان آمار ارائه‌ها دلیل بر ناتوان بودن ایران در ساخت واکسن نیست».

دکتر روودکی با اشاره به کارکرد توسعه‌ای که آسترازنکا می‌گوید: «باید به این نکته هم توجه کرد واکسنی که تزریق می‌کنید، از شما در برابر یک خطری محافظت می‌کند. اگر این خطر بزرگ است، عوارض آن را باید نادیده گرفت. واکسن به کسانی که بیماری زمینه‌ای دارند، کمک بزرگی می‌کند. چراکه از بیماری جلوگیری می‌کند. عوارض بیماری را کاهش می‌دهد و جلوی بسیاری از مرگ‌ها را می‌گیرد. به طور کلی واکسن کووید یا هر واکسن دیگری خطر مرگ را کاهش می‌دهد. هرچند خطر عوارض با ندرتا مرگ همیشه در هر تولید انسانی وجود دارد. حتی غذایی که می‌خوریم، سالمندی که با بیرون‌رفتن از خانه منتظر ماست یا هوای آلوده‌ای که استنشاق می‌کنیم. خطر مرگ بسیار بیشتری از واکس‌ها برای ما دارد».

این متخصص معتقد است نیاز به واکس همیشه باقی خواهد ماند: «تاریخ طب و آمارها نشان می‌دهد که واکس‌ها مؤثرترین و بی‌خطرترین تولید بشر بوده‌اند. اما چرا در برابر واکس برخی مقاومت‌ها وجود دارد؟ در این زمینه باید تفکرات تحجرآمیز را مسئول دانست که بر پایه هیچ پژوهش و آمار علمی نیستند و عمدتا افراد فاقد دانش و تخصص به آن دامن می‌زنند یا اکثر سودجویان در پس پرده آن هستند. البته نه‌تنها در ایران، بلکه در خارج از کشور نیز این افراد یافت می‌شوند. نیاز به واکسن همیشه باقی خواهد بود و جالب است بدانید که مثلا آنفلوانزا در آمریکا جان حدود ۲۰ هزار نفر را سالانه می‌گیرد و حتی در ایران هم خطر مرگ متابه اثر آنفلوانزا وجود دارد که اگر واکسن آن مصرف شود، خطر مرگ و عوارض آن کاهش می‌یابد. کووید هم به جمع ویروس‌های موجود و فصلی پیوست و همیشه خطر ابتلا دارد و به‌ویژه برای گروه آسیب‌پذیر واکسیناسیون آن لازم است. البته در کل هرگونه درمان یا پیشگیری یک تصمیم شخصی است و نمی‌توان دیگران را مجبور کرد مگر زمانی که رعایت‌نکردن، جان دیگران را به خطر بیندازد. علاوه بر این واکس‌ها برنامه واکسیناسیون کودکان که همیشه برقرار است».

او به طور خلاصه درباره آمار کلی آسترازنکا نیز توضیح می‌دهد: «کل واکس آسترازنکا در داده‌گاه با ۵۱ مورد شکایت حقوقی روبه‌رو بوده که دو سال دول کشید تا قاضی حکم صادر کند. آماری که این شرکت بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ منتشر کرد، نشان می‌دهد که سه‌هزارو ۳۸۵ لخته به شرکت گزارش شده و ۲۴۷ مرگ به آسترازنکا منتسب شد اما اکنوا اثبات نشد که مرگ به طور مستقیم ناشی از واکس بوده است. برای واکسنی که میلیاردها دوز از آن توزیع شده و صدها میلیون نفر از آن استفاده کرده‌اند، این آمار و ارقام کوچکی است. در حقیقت پاندمی جنگی بود که بشر در راه دفاع از خود، تلفاتی هم داده است».

دکتر روودکی در پایان با نقد به شبه‌علم عنوان کرد: «برخی سخنان غلط‌انداز در حقیقت شبه‌علم هستند چیزی حرف‌شان یا اساسا به لحاظ علمی نادرست بوده یا متسب به آمار غلط است. اما چون با شیوه علمی این را بیان می‌کنند، ظاهر غلط‌انداز علمی دارد یعنی در واقع حرف‌های آنها شکل و شیوه علمی دارند اما پایه و اساس علمی ندارند. بعد از شبه‌علم‌ها که تشخیص آنها حتی برای همکاران و پزشکان هم کاهی سخت است. خرافات قرار دارد که نمی‌توانند اهل علم را گول بزند اما عوام را فریب داده و بیچاره می‌کند».

همچنین گزارش عملکرد این حوزه در سه ایستگاه نوبنیاد، حسین‌آباد و هیرمند نادرست بوده یا متسب به آمار غلط است. اما چون با شیوه علمی این را بیان می‌کنند، ظاهر غلط‌انداز علمی دارد یعنی در واقع حرف‌های آنها شکل و شیوه علمی دارند اما پایه و اساس علمی ندارند. بعد از شبه‌علم‌ها که تشخیص آنها حتی برای همکاران و پزشکان هم کاهی سخت است. خرافات قرار دارد که نمی‌توانند اهل علم را گول بز